



## تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۱۱	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۲۲
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان ۲	عدل سیاسی			
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی			
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن			
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت			
عنوان ۶	بحث سوم: حق تملک بانوان			
عنوان ۷	بخش سوم: حق کسب و کار بانوان و تملک سود ناشی از آن			

بحث ما در حق زنان در کسب و کار حلال و تملک سود حاصل از کسب و کار بود. گفتیم در این بحث به چند مسأله می پردازیم که مسأله اول درباره اصل جواز فعالیت اقتصادی کسب و کار برای زنان بلکه استحباب آن است. گفتیم ادله مطلقه استحباب بر تجارت و کسب و کار، شامل زنان نیز می شود و چیزی که بخواهد مانع این شمول باشد وجود ندارد؛ علاوه بر اینکه برخی از روایات در خصوص کسب زنان وارد شده که مؤید این استحباب است؛ البته به شرط اینکه مزاحمتی به حق مرد نداشته باشد؛ نظیر روایت ام الحسن النخعیه:

عَنْ أُمِّ الْحَسَنِ النَّخَعِيَّةِ قَالَتْ: «مَرَرْتُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ تَصْنَعِينَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ؟ قُلْتُ: أَغْزُلُ قَالَتْ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ أَحَلُّ الْكُسْبِ»<sup>۱</sup>؛

ام الحسن می گوید: روزی امیر مؤمنان علی عليه السلام از نزد من می گذشت، به من فرمود: ای ام الحسن! چه کار می کنی؟ عرض کردم: پشم ریزی می کنم. فرمود: آگاه باش! که این کار از حلال ترین کسب هاست.

از این روایت تأیید و تشویق غزل استفاده نمود و می توان از این روایت، استحباب غزل فهمید و بعید است که این استحباب، مخصوص غزل باشد؛ ظاهراً این استحباب، شامل غیر غزل از کارهایی که منافات با وظایف بانوان ندارد می شود و مؤید این مطلب روایات دیگری است که درباره کسب بانوان وارد شده است:

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب التجارة؛ ابواب ما یکتسب به، باب ۶۴، ح ۱.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كَسْبِ الْإِمَاءِ؛ فَإِنَّهَا إِنْ لَمْ تَجِدْ زَنْتَ؛ إِلَّا أَمَةً قَدْ عُرِفَتْ بِصَنْعَةٍ يَدٌ وَنَهَى عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ الَّذِي لَا يُحْسِنُ صِنَاعَةً بِيَدِهِ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَجِدْ سَرَقَ»<sup>۱</sup>؛

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ از کاسبی کردن کنیزان نهی فرمود، چون اگر پولی به دست نیاورد تن فروشی می‌کنند، مگر کنیزی که هنر دستی آموخته است. هم چنین از کاسبی کردن غلام که هیچ یک از صنایع (کارهای) دستی را به خوبی نمی‌داند، نهی فرمود، چون اگر نتوانست چیزی کاسبی کند، دزدی می‌کند.

روایاتی که نوفلی از سکونی نقل می‌کند، صحیح است و اینکه گفته می‌شود موثقه سکونی که بنا را بر عامی بودن سکونی گذاشته‌اند، دلیلی ندارد؛ سکونی روایات متعددی دارد که دال بر اعتقاد او بر امامت تمام ائمه اثنی عشر علیهم السلام است. تنها دلیل اینکه گاهی شبهه عامی بودن سکونی را مطرح می‌کنند، این است که او هرگاه از ائمه اطهار روایتی نقل می‌کرده است، حدیث را از امام به رسول الله اسناد کرده است؛ لکن گفته‌ایم که این اسناد بجاست و به این علت بوده است که این حدیث و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام بین اهل سنت رواج پیدا کند و حدیث را به عنوان حدیث مرسل تلقی نکنند.

این که روایت می‌فرماید «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كَسْبِ الْإِمَاءِ»، به تناسب حکم و موضوع، ظهور در این دارد که کنیز را برای کار به خارج از خانه نفرستید که برود در خانه دیگران کار کند؛ زیرا ممکن است اگر نتوانستند پولی بدست بیاورند، خود فروشی کنند؛ و بعد حضرت می‌فرماید: «إِلَّا أَمَةً قَدْ عُرِفَتْ بِصَنْعَةٍ يَدٍ» که شاهد ماست که می‌فرماید کنیزی که می‌تواند در خانه بنشیند و کارهای دستی انجام دهد، اشکالی ندارد؛ از این استثناء استفاده می‌شود، این حسن صنعت ید، مخصوص «غزل» [که در روایت پیشین آمده بود] نیست؛ لذا آن غزلی که در روایت قبل آمده، به عنوان اینکه صنعت ید است، آمده است و مصداقی از عام صنعت ید است و شاید این قرینه بشود که مطلق صنعت ید برای زنان مستحب است و کنیز نیز خصوصیتی ندارد.

صاحب وسائل نیز از روایت غزل که حضرت فرموده «أَمَّا إِنَّهُ أَحَلُّ الْكَسْبِ»، استحباب غزل را فهمیده است؛ لذا عنوان باب را چنین بیان می‌کنند: «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْغَزْلِ لِلْمَرْأَةِ»<sup>۲</sup>.

اینکه غزل، احلّ الکسب باشد، دلالت بر تأیید و تشویق است و می‌توان از آن استحباب و رجحان چنین عملی را برداشت کرد. روایات دیگری نیز در این باب در همین مورد وارد شده که از آن روایات نیز می‌توان اطمینان به استحباب این عمل پیدا کرد؛ مثلاً مرحوم صدوق در علل الشرائع از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند:

۱. همان؛ باب ۳۳، ح ۱.

۲. همان؛ باب ۶۴.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي كَلَامٍ كَثِيرٍ: وَنِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ»<sup>۱</sup>؛

چه خوب سرگرم شدننی است بافندگی و ریسندگی زنان صالحه.

لهو در اینجا به معنای سرگرمی است. هم از عبارت «نِعْمَ اللَّهُ» و هم از «لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ» می توان استحباب غزل را استفاده کرد.

در روایت دیگری نیز چنین آمده است:

الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الصَّبِيِّ قَالَ: «مَرَّ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ عَلَى امْرَأَةٍ وَهِيَ جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ دَارِهَا بُكْرَةً<sup>۲</sup> وَ كَانَ يُقَالُ لَهَا أُمُّ بَكْرٍ وَ فِي يَدِهَا مِغْزَلٌ تَغْزِلُ بِهِ؛ فَقَالَ لَهَا: يَا أُمَّ بَكْرٍ! أَمَا كَبُرَتْ أَمَا أَنَّ لَكَ أَنْ تَضْعِيَ هَذَا الْمِغْزَلَ؟ فَقَالَتْ وَ كَيْفَ أَضْعُهُ وَ قَدْ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ هُوَ مِنْ طَيِّبَاتِ الْكَسْبِ»<sup>۳</sup>؛

به هرحال از مجموع روایات وارده در باب «مغزل» و غزل زنان، استحباب غزل استفاده می شود؛ از ضمیمه روایتی که درباره کنیزان نقل کردیم به این روایات می توان چنین استفاده کرد که آنچه استحباب دارد برای زنان، مطلق استحباب صنعت ید است؛ نه خصوص غزل.

در جلسه گذشته به بحث از روایات وارده در موارد خاصه رسیدیم؛ البته این مورد غزل نیز که در این جلسه بیان کردیم را نیز می توان از موارد خاصه بر شمرد؛ منتهی ما این روایت را برای استفاده استحباب مطلق الکسب برای زن نقل کردیم. گذشته از این روایاتی که خواندیم یعنی علاوه بر دلیل اولی که برای جواز و استحباب کسب حلالی که منجر به تضییع حق مرد نشود برای زنان آوردیم؛ روایات مربوط کسب های معینی است که در جلسه پیش، درباره کسب نائحه بحث کردیم و روایات کسب نائحه را بررسی کردیم. روایات دیگری که در این زمینه وجود دارد، روایات جواز کسب ماشطه (آرایشگر) است که روایات متعددی است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

سوال یکی از شاگردان: ماشطه از مصداق صنعت ید است؟

پاسخ استاد: خیر به این صنعت ید نمی گویند؛ معمولاً صنعت ید به کارهایی گفته می شود که به کسی دیگری مربوط نشده و با دیگری کار نداشته باشد.

از جمله این روایات، صحیحه<sup>۴</sup> محمد بن مسلم است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ أَمْرٍ حَبِيبٍ الْخَافِضَةَ قَالَ: «وَكَانَتْ لِأُمِّ حَبِيبٍ أُخْتُ يُقَالُ لَهَا

۱. همان؛ ح ۲.

۲. صبحگاه.

۳. وسائل الشیعة؛ کتاب التجارة؛ ابواب ما یکتسب به، باب ۶۴، ح ۳.

۴. روایت صحیحه است؛ مخصوصاً بر مبنای ما که کسانی که بزنی از آنها روایت کند را ثقة می دانیم؛ لذا قدر متیقن از توثیق هارون بن جهم، توثیقی است که به وسیله روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از او شده است؛ لذا روی هم رفته، روایت صحیحة السند است.

أُمُّ عَطِيَّةَ وَكَانَتْ مُقْبِنَةً<sup>۱</sup> يَعْنِي مَاشِطَةً فَلَمَّا انْصَرَفَتْ أُمُّ حَبِيبٍ إِلَى أُخْتِهَا فَأَخْبَرَتْهَا بِمَا قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ<sup>۲</sup> فَأَقْبَلَتْ أُمُّ عَطِيَّةَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَخْبَرَتْهُ بِمَا قَالَتْ لَهَا أُخْتُهَا؛ فَقَالَ لَهَا اذْنِي مِنِّي يَا أُمُّ عَطِيَّةَ إِذَا أَنْتِ قِمْتِ الْجَارِيَةَ فَلَا تَغْسِلِي وَجْهَهَا بِالْخِرْقَةِ فَإِنَّ الْخِرْقَةَ تَشْرَبُ مَاءَ الْوَجْهِ<sup>۳</sup>؛

ام حبیبہ خواہری داشت به نام ام عطیہ کہ آرایشگر بود، چون ام حبیبہ نزد خواہر خود رفت او را از گفتہ رسول خدا آگاہ کرد، پس ام عطیہ نیز نزد پیامبر آمد و او را از گفتہ خواہر خود آگاہ کرد. حضرت بہ او فرمود: ای ام عطیہ نزدیک بیا، ہرگاہ زنی را آرایش کردی، صورت او را با پارچہ تمیز مکن کہ دستمال آب و رطوبت صورت را از بین می برد.

نظیر این روایت، روایت دیگری نیز وارد شدہ کہ ظاہراً اشارہ بہ همان داستان است:

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «دَخَلَتْ مَاشِطَةً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهَا هَلْ تَرَكْتِ عَمَلَكِ أَوْ أَقَمْتِ عَلَيْهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا أَعْمَلُهُ إِلَّا أَنْ تَنْهَانِي عَنْهُ فَأَنْتَهَيْ عَنْهُ فَقَالَ أَفْعَلِي فَإِذَا مَسَّطْتَ فَلَا تَجْلِي الْوَجْهَ بِالْحَرِقِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَلَا تَصْلِي الشَّعْرَ بِالشَّعْرِ<sup>۴</sup>؛

امام صادق علیہ السلام فرمود: زنی آرایشگر نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم رفت و آن حضرت بہ او فرمود: آیا کارت را کنار گذاشتہ ای یا آن کہ هنوز بدان ادامہ می دهی؟ عرض کرد: هنوز این کار را ادامہ می دهم، و در صورتی کہ مرا بازبرداری دست بر خواہم داشت. فرمود: کارت را ادامہ بدہ و هنگامی کہ آرایش می کنی صورت را با پارچہ برق مینداز، چون آب و طراوت صورت را از بین می برد و موی ها را نیز بہ ہم میچسبان.

روایات دیگر این باب، دلیل بر جواز آرایشگری برای زنان و اخذ اجرت در برابر آن است کہ البتہ تصریح بہ اخذ اجرت نشدہ؛ اما چون متعارف بر اخذ اجرت بودہ است؛ دلالت التزامی بر جواز اخذ اجرت نیز از آن استفادہ می شود.

۱. المقبنة: المزينة، والتقيين: التزيين؛ یعنی آرایشگر.

۲. این عبارت اشارہ بہ روایت دیگری است کہ دربارہ خود ام حبیب وارد شدہ است کہ ظاہراً این روایت، تکملہ آن روایت است کہ صاحب وسائل این روایت را تقطیع کردہ است و بخش اول آن را در باب ہجدهم آورده است و بخش دوم آن را در اینجا ذکر کردہ است؛ قطعہ اول روایت چنین است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَمَّا هَاجَرَتِ النِّسَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ هَاجَرَتْ فِيهِنَّ امْرَأَةٌ يُقَالُ لَهَا أُمُّ حَبِيبٍ وَكَانَتْ خَافِضَةً تَخْفِضُ الْجَوَارِي فَلَمَّا رَأَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَهَا: يَا أُمُّ حَبِيبِ الْعَمَلُ الَّذِي كَانَ فِي يَدِكَ هُوَ فِي يَدِكَ الْيَوْمَ؟ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ حَرَاماً فَتَنْهَانِي عَنْهُ. قَالَ: بَلْ حَلَالٌ فَاذْنِي مِنِّي حَتَّى أَعْلَمَكَ. قَالَتْ: فَذَنْوْتُ مِنْهُ، فَقَالَ: يَا أُمُّ حَبِيبِ إِذَا أَنْتِ فَعَلْتِ فَلَا تَنْهَكِي وَلَا تَسْتَأْصِلِي وَأَشْوِي فَإِنَّهُ أَشْرَقُ لِلْوَجْهِ وَأَخْطَى عِنْدَ الرَّؤُوحِ الْحَدِيثِ؛ امام صادق علیہ السلام فرمود: چون زنان بہ دنبال رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم بہ مدینہ ہجرت کردند، زنی بہ نام ام حبیبہ نیز کہ زنان را ختنہ می کرد ہمراہ زن ها ہجرت کرد. چون رسول خدا او را دید بہ او گفت: ای ام حبیبہ آیا کار گذشتہ خود را هنوز ہم انجام می دهی؟ عرض کرد: بلہ ای رسول خدا، مگر اینکہ حرام باشد و مرا از آن بازداری. حضرت فرمود: نہ، این کار حلال است پس نزدیک بیا تا بہ تو چیزی بیاموزم. ام حبیبہ نزدیک آمد و حضرت فرمود: ای ام حبیبہ ہرگاہ ختنہ می کنی، [پوست را] از تہ بردار و کم بردار کہ برای شادابی صورت بہتر است و شوہر نیز لذت بیشتری می برد. وسائل الشیعة؛ ابواب ما یکتسب بہ، باب ۱۸، ح ۱.

۳. وسائل الشیعة؛ ابواب ما یکتسب بہ، باب ۱۹، ح ۱.

۴. همان؛ ح ۲.

روایات دیگر، روایات مغنیه‌ای است که در عرائس غناء بخوانند؛ یعنی زنان آوازه‌خوانی که غناء در عروسی‌ها غناء می‌خوانند. همان غنائی که برای مردان حرام است، برای زنان در عروسی‌ها حلال است به شرط اینکه مردها در آن جلسه حضور نداشته باشند. در این زمینه نیز روایات متعددی وجود دارد که دلیل بر جواز اخذ اجرت زن مغنیه در عرائس است که در وسائل الشیعة، کتاب التجارة، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۵ روایات این مطلب آمده است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین